



سال یازدهم / بهار ۱۴۰۱

**فمینیسم عامه‌پسند در اینستاگرام:**

**تحلیل محتوای متون کنش‌گران ایرانی حوزه زنان**

• اعظم راودراد<sup>۱</sup>، میترا شمسی<sup>۲</sup>

DOR: 20.1001.1.38552322.1401.11.42.1.5

#### چکیده

این پژوهش به جستجوی رد پای «فمینیسم عامه‌پسند» در محتواهای به‌اشتراک گذاشته‌شده از سوی کنشگران ایرانی حوزه زنان در بستر رسانه‌های اجتماعی می‌پردازد. به این منظور، به تحلیل کیفی محتوای نمونه‌های استخراج‌شده از حساب کاربری پربازدید چهار کنشگر حوزه زنان در اینستاگرام پرداخته، و کوشیده‌ایم با شناسایی مسائل پربسامد و برجسته‌شده حوزه زنان و جنسیت در این محتواها، چگونگی پرداختن به این مسائل، و راهکارهای پیشنهادشده برای آنها، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا این متون نشان‌دهنده وجود گرایش به فمینیسم عامه‌پسند نزد کنش‌گران ایرانی فعال در حوزه زنان هستند یا خیر.

بر اساس یافته‌های پژوهش، محتواهای به‌اشتراک‌گذاشته‌شده و کنش‌گری کنش‌گران مورد مطالعه، دارای ویژگی‌هایی چون درگیری در حلقه بازخوردها، تمرکز افراطی بر بدن زنان، ارائه نسخه‌ای زیبایی‌سازی‌شده از فمینیسم، و گاه پیشنهاد راهکارهای ساده‌سازی‌شده و فردگرایانه برای حل نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت هستند. همچنین نشان داده شده‌است که گرچه کنش‌گری دیجیتال فعالان مورد مطالعه می‌تواند به مشاهده‌پذیری مسائل به‌حاشیه‌رانده‌شده زنان ایرانی کمک کند، این کنش‌گری بیش از همه در راستای ایجاد سرمایه اجتماعی برای کنشگران بوده‌است. به علاوه، نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که برخی پویاها و کنشگری‌های فعالان مورد مطالعه را می‌توان ذیل فرایند قدرت‌گرفتن فمینیسم عامه‌پسند و محبوبیت آن در مباحثات عمومی ساخته‌شده در فضای مجازی ایران حول مسائل زنان به شمار آورد.

**واژگان کلیدی:** فمینیسم عامه‌پسند، کنش‌گری دیجیتال، زنان ایرانی، رسانه‌های اجتماعی، اینستاگرام

---

۱ استاد گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. اجتماعی. ravadrad@ut.ac.ir  
۲ دانشجوی دکتری ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. mitrashamsi@ut.ac.ir

## مقدمه

زنی را در کنج خانه‌اش می‌بینیم که بلوزی با طرح پلنگی بر تن دارد و با ترانه‌ای از مدونا، خواننده پاپ آمریکایی هم‌خوانی می‌کند و می‌رقصد. هم‌زمان روی تصویر، متن‌های متحرکی می‌بینیم: «مردسالاری یه نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی/ که در آن مردان در راس هرم قدرتند/ این نظام بر پایه تبعیض جنسیتی بنا شده...». این ویدئوی کوتاه با بیش از ۲۱ هزار پسند<sup>۱</sup>، نمونه‌ای از محتواهایی است که «فرانک عمیدی» در حساب کاربری پُربازدیدش در اینستاگرام به اشتراک می‌گذارد. محتوای مطالب او، که خود را «ولترافمینیستِ جهادی» می‌خواند، از سوی کاربران زیادی دست‌به‌دست می‌شود. بسیاری، مطالب او را به عنوان منبع آموزش فمینیستی تحسین می‌کنند. هرچند بسیاری از مطالب بحث‌برانگیزش نیز با نقد و حمله روبرو می‌شود. به نظر می‌رسد او آگاهی‌رسانی درباره نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت و گرایش جنسی را رسالت خود می‌داند و آن را، بیش از همه، از راه انتشار شمار زیادی عکس‌نوشته، ویدئو و داستان<sup>۲</sup> انجام می‌دهد که غالباً دربرگیرنده صحنه‌هایی از زندگی روزمره اوست.

ما در این پژوهش سراغ این‌گونه از نگرش فمینیستی رفته‌ایم که با توجه به شمار دنبال‌کنندگان، و بازنشر پُرشمار محتواهای مربوط به آن، در مقایسه با دیگر انواع محتواها و رویکردهای فمینیستی رسانه‌ای شده از سوی کنشگران ایرانی حوزه زنان در رسانه‌های دیجیتال، به مشاهده‌پذیرتری<sup>۳</sup> بیشتری دست یافته‌است. کوشیده‌ایم با تکیه بر تحلیل محتوای صفحه پُربازدید چهار کنشگر حوزه زنان (فرانک عمیدی، سمانه سوادی، مینا خانی و شقایق نوروزی) در اینستاگرام ارزیابی کنیم که آیا «فمینیسم عامه‌پسند»<sup>۴</sup> آن گونه که «سارا بنت‌وایزر»<sup>۵</sup> تعریف کرده است، در محتواهای مورد مطالعه قابل ردیابی است یا نه. در این راستا، ضمن بررسی ویژگی‌های این نوع کنش‌گری، به این موضوع پرداخته‌ایم که کدام یک از مسائل حوزه زنان در این صفحه‌ها پُرسامد، و برجسته‌شده‌است، این موضوعات چگونه صورت‌بندی شده، و چه راهکارهایی برای مسائل زنان از سوی کنش‌گران مورد مطالعه پیش نهاده شده است.

1 Like

2 Story

3 Visibility

4 Popular Feminism

5 Sarah Banet-Weiser

## مساله پژوهش

با توجه به تبدیل بستر رسانه‌های اجتماعی به میدان نبردی برای مقاومت و کنش‌گری زنان ایرانی، برای پژوهشگران حوزه مطالعات رسانه و مطالعات زنان فرصت بی‌مانندی برای کاوش درباره کنش‌گری زنان فراهم شده‌است که به دلایل مختلف، از دیگر عرصه‌های اجتماعی نامرئی شده است. پژوهش درباره کنش‌گری دیجیتال زنان، به‌ویژه با تمرکز بر محتوای تولید و توزیع‌شده از سوی خود کنش‌گران، به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه زنان امکان می‌دهد به برخی از مطالبه‌ها و مسائل زنان که در فضای دیجیتال بازنمایی می‌شود، در حالی که در رسانه‌های جریان اصلی<sup>۱</sup> و گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی رسمی غایب است، دسترسی یابند. به دست آوردن شناخت درباره رویکردهای فمینیستی که در بسترهای دیجیتال تولید و توزیع می‌شود، برای فعالان زنان نیز که به دنبال کردن سیر کنونی و آتی تحولات جنبش‌های زنان ایران علاقه‌مند هستند، ضرورت دارد زیرا همان‌طور که لادن رهبری و همکارانش (۲۰۲۱)، می‌گویند، پویای‌های برخاسته درباره کشمکش‌های درازمدت بر سر مسائل زنان، در حال اولویت‌بخشی به این مسائل و به نوبه خود، شکل دادن به چگونگی اجرای اعتراض علیه نابرابری‌های جنسیتی و برساخت و دگرگون کردن جنبش زنان است.

پژوهش حاضر به مطالعه کنش‌گری زنان ایرانی و تحلیل بحث‌ها درباره مسائل حوزه زنان از سوی آنها در رسانه‌های اجتماعی می‌پردازد. تمرکز پژوهش صرفاً بر یکی از رویکردهای فمینیستی ساخته و توزیع‌شده در بستر رسانه‌های دیجیتال بوده‌است که از میان چارچوب‌های مختلف ابراز شده در این بستر در حوزه زنان، فرصت مشاهده‌پذیری بیشتری از سوی کاربران یافته‌است. ما با تحلیل ویژگی‌های محتواهای فمینیستی محبوب تولید و توزیع‌شده در صفحه‌های مورد مطالعه، بحث می‌کنیم که این رویکرد را می‌توان نمونه‌ای از فمینیسم عامه‌پسند دانست. بنت‌وایزر فمینیسم عامه‌پسند را یکی از نیروهایی می‌داند که ویژگی‌های سیاست جنسیت را در دوره معاصر توصیف می‌کند. او باور دارد که «اکنون فمینیسم به بخشی از فرهنگ عامه بدل شده‌است و انواع خاصی از مانیفست‌های محبوب فمینیستی در همه بسترهای تجاری و همگانی رسانه‌ای، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی، در کنار رسانه‌های جریان اصلی و پخش رادیو و تلویزیونی به‌طور شبکه‌ای توزیع می‌شود و مردم می‌توانند آنها را مانند یک کالا مصرف کنند» (Banet-Weiser & Portwood-Stace, 2017, p. 584). فمینیسم

1 Mainstream media

عامه‌پسند در عرصه‌های متفاوت و در قالب شکل‌های مختلفی چون تبلیغات و فیلم، روی تیشرت‌ها، در سخنرانی‌های مراسم اهدای جوایز و در مطالب انگیزاننده اینستاگرامی اشاعه می‌یابد (Banet-Weiser: 2018b).

از میان این عرصه‌ها، میدان پژوهش حاضر، بر اساس هدف پژوهش، به سه دلیل به رسانه اجتماعی تصویرمحور اینستاگرام محدود شده‌است؛ نخست، همان‌طور که «دانا بوید»<sup>۱</sup> (2010) می‌گوید، استطاعت‌های<sup>۲</sup> اینستاگرام مانند پایداری<sup>۳</sup>، مشاهده‌پذیری، تکرارپذیری<sup>۴</sup>، قابلیت جستجو و قابلیت تفسیر<sup>۵</sup>، این رسانه را به مکان خوبی برای پژوهش کیفی بدل می‌کند. دوم، «اینستاگرام دربرگیرنده فرهنگی بصری است که معنا را از راه تصویر، در کنار متن، صورتک‌ها<sup>۶</sup> و هشتگ‌ها<sup>۷</sup> منتقل می‌کند» (Laestadius, 2017: 575) و مکان بالقوه مناسبی را برای ظهور و مطالعه فمینیسم عامه‌پسند فراهم می‌کند که به قول بنت‌وایزر (2020) در فرهنگ رسانه‌ای به شدت دیداری شده معاصر بروز می‌یابد. سوم، اینستاگرام، دومین رسانه اجتماعی محبوب در ایران است که بر پایه آخرین نظرسنجی ملی ایسپا (بهمن ۱۳۹۹)، پس از واتس‌آپ، بیشترین میزان استفاده را در میان ایرانیان داخل کشور دارد که ۴۵ درصد ایرانیان بالای ۱۸ سال، ۷۰٫۷ درصد جوانان، و ۵۹ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی را دربرمی‌گیرد (ISPA, 1399).

ما در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش بوده‌ایم که آیا همه یا برخی از ویژگی‌های آنچه بنت‌وایزر فمینیسم عامه‌پسند می‌خواند، در محتوای به اشتراک گذاشته شده از سوی کنش‌گران ایرانی پرمخاطب در حوزه زنان بر بستر اینستاگرام قابل مشاهده است؟ پرسش فرعی هم به این شرح بوده‌است که در این صورت، آیا ویژگی‌ها و کارکرد این نگرش فمینیستی در محتواهای کاربران ایرانی همان‌گونه است که بنت‌وایزر در بافت فرهنگ غربی توصیف می‌کند؟

پیش از پرداختن به این پرسش‌ها در بخش یافته‌های پژوهش، ابتدا پیشینه پژوهش، و سپس مفهوم فمینیسم عامه‌پسند شرح داده خواهد شد.

1 Dana Boyd

2 Affordances: راهی که از راه یک بستر رسانه‌ای برای کاربران شذنی است. به‌طور ساده، کنش

3 Persistence: تشویق کاربران به ثبت و انتشار لحظه‌های گذرای زندگی روزمره

4 Replicability: به دلیل امکان تصویربرداری از صفحه (Screen Capture)

5 Interpretability: ناشی از تاکید بر وجود تصویر به مثابه داده غنی قابل تفسیر

6 Emoji

7 Hashtags

### پیشینه پژوهش

جامعه‌شناسان و پژوهشگران حوزه مطالعات رسانه به مطالعه گسترده تاثیر اینترنت در ایران پرداخته‌اند، هرچند سهم کوچکی از پژوهش‌های این حوزه به زنان در فضای مجازی اختصاص دارد<sup>۱</sup> و شمار اندکی نیز به نقش اینترنت در کنش‌گری و جنبش زنان پرداخته‌اند. شماری از این پژوهش‌ها به دستاوردهای کنش‌گری دیجیتال زنان برای جنبش زنان و تحقق مطالبات آنان پرداخته‌اند، دستاوردهایی چون عمومی‌شدن خواست‌های زنان، ایجاد فرصت‌های گفتگو، اتحاد و هم‌افزایی، خلق هویت جمعی (رحیمی و بیچرانلو، ۱۳۹۹)، امکان ارتباط زنان فعال با یکدیگر، دسترسی به گستره بزرگتری از مخاطبان، ساده‌سازی فرایند برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌ها (Karimi, 2018)، پیوند فعالان حقوق زنان در داخل و خارج کشور (Abbasgholizadeh, 2014)، پیوند با کنشگران منطقه و جنبش‌های اجتماعی جهانی و ایجاد دسترسی زنان به گستره متنوع‌تری از ایده‌های فمینیستی فراملی (Mouri, 2017 & Batmanghelichi) و ایجاد همبستگی فراملی حول حقوق زنان (Tafakori, 2021) از سوی پژوهشگران شناسایی شده‌است. برخی پژوهش‌ها بر تاثیر ارتباطات با واسطه اینترنت بر ماهیت روابط درون‌گروهی و میان‌گروهی کنش‌گران ایرانی حوزه زنان پرداخته و نشان داده‌اند که این ارتباطات، فرایند تصمیم‌گیری جمعی را تسهیل کرده و به تعامل و همکاری و همچنین توانمندسازی فردی آنها کمک کرده‌است (Naeli, 2018). این فضا از سوی کنش‌گران برای به‌اشتراک‌گذاری دغدغه‌ها، یافتن زبانی مشترک، بحث درباره تقاضاهای مشترک و خلق سرمایه اجتماعی استفاده شده‌است و به مکانی برای ساخت جنبش زنان بدل شده‌است (Abbasgholizadeh, 2014). برخی از مطالعات این حوزه بر پوشش‌های دیجیتال زنان و عمدتاً «پوشش آزادی‌های یواشکی» متمرکز بوده‌اند. این پوشش‌ها از سوی برخی پژوهشگران به دلیل گمنامی و پیوندهای ضعیف میان کاربران، نداشتن اثر اجتماعی-سیاسی معنادار و نداشتن ظرفیت سازمان‌دهی یک جنبش اجتماعی واقعی، مصداق سست‌کنش‌گرایی<sup>۲</sup> شناخته شده‌اند (طالبیان و طالبیان، ۱۳۹۶) که به بیان‌های فردی شده

۱ برای تازه‌ترین نمونه‌ها نگاه کنید به (حمایت‌خواه، ۱۴۰۰؛ راودراد، حجاری، و مجددی‌زاده، ۱۴۰۰؛ اردکانی‌فرد و رضوی‌زاده، ۱۴۰۰؛ بیچرانلو و بوالی، ۱۴۰۰؛ بیگونند، کاظمی، و بصیریان‌چهرمی، ۱۴۰۰؛ اسلامی، موسوی، و علیخواه، ۱۳۹۹؛ عبداللهیان و هومن، ۱۳۹۹؛ ذکایی، کرمی، و فرزادمنش، ۱۳۹۹؛ مقیمی، خانیکی، و سلطانی، ۱۳۹۹).

2 Slactivism

نامیدی و استیصال زنان در فضای مجازی محدود مانده و می‌تواند ناجنبش<sup>۱</sup> خوانده شود (Shojaee, 2016). برخی دیگر، این پویاها را به دلیل ناهماهنگی بین بافت و دغدغه‌های محلی با چارچوب‌بندی این دغدغه‌ها در خارج از مرزهای جغرافیایی، دوگانه‌سازی زنان حول مساله پویا، و نداشتن توان ایجاد شبکه واقعی و سازمان سیاسی نقد کرده‌اند (Khibany, 2015). در مقابل، برخی دیگر، قابلیت‌های چنین پویاها را در ایجاد بستری برای خودبازنمایی و مستندسازی شخصی زندگی روزمره زنان شناسایی کرده، و گفته‌اند ماهیت تعاملی فضای مجازی فرصت بازنمایی مستقل گروه‌های به حاشیه رانده‌شده زنان را فراهم کرده‌است (Karimi, 2015) و آنها را برای مشارکت در ساخت هویت جمعی خود توانمند می‌کند (Khazraee & Novak, 2018). بر اساس نظر برخی پژوهشگران، چنین پویاها در بافت ایران که همراه است با محدودیت جامعه مدنی و سانسور رسانه‌های جمعی در مورد مسائل زنان، فضای دیجیتال به صورت فزاینده‌ای در آگاهی‌رسانی عمومی، اعتراض اجتماعی و بسیج عمومی موثر بوده‌است (Tahmasebi-Birgani, 2017). برخی پژوهش‌ها با مطالعه موردی صفحه‌های شخصی یا گروهی زنان، به بحث و گفتگو درباره فمینیسم دیجیتال در ایران پرداخته‌اند. برای نمونه، «منصوره شجاعی» (2016) پایگاه وب مدرسه فمینیستی را نتیجه تلاش طولانی کنشگران جنبش زنان می‌داند که می‌تواند به ایجاد فرصت‌های استراتژیک برای طرفداری از برابری جنسیتی کمک کند. «لیلا موری» و «ثریا باتمانقلیچی» (2017) با مطالعه پنج گروه مجازی معروف، به چگونگی استفاده آنها از رسانه‌های اجتماعی برای طرفداری از حقوق زنان، استراتژی‌ها و آسیب‌پذیری‌های ناشی از آن برای جنبش زنان ایران می‌پردازند. «احسان شاه‌قاسمی» (2020) با بازنگری شماری از صفحه‌های فمینیست‌های ایرانی در اینستاگرام، به نقد محدود بودن بازنمایی زنانگی به زنان زیبا، جوان و دارای جذابیت جنسی، و همچنین حذف نظام‌مند زنان کهنسال و محروم در این صفحه‌ها پرداخته، و کنش‌گری این دسته از کاربران را هرزه‌نگاری فمینیسم شبکه‌ای<sup>۲</sup> نامیده است.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد آنها بیش از همه به کارکردهای رسانه‌های اجتماعی برای جنبش زنان و تاثیر این کارکردها بر کنش‌گری زنان پرداخته‌اند، و مطالعه محتواهای فمینیستی به اشتراک‌گذاشته از سوی کنش‌گران حوزه زنان در این بستر و ویژگی‌های این محتوا، که در پژوهش حاضر دنبال شده‌است، در این پژوهش‌ها آزمون نشده است.

1 Non-movements

2 Pornography of Networked Feminism

### چارچوب مفهومی پژوهش

بنت‌وایزر از مفهوم فمینیسم عامه‌پسند برای توصیف لحظه تاریخی اکنون استفاده می‌کند که در آن فمینیسم، همگانی و به بخشی از فرهنگ عامه بدل شده‌است، «به حدی که هر جا سر برگردانیم، بیانی از فمینیسم وجود دارد. از نظر او، مفهوم عامه در این اصطلاح، به زبان «استوارت هال»<sup>۱</sup>، «یک قلمروی کشمکش»<sup>۲</sup> است که در آن نسخه‌های رقیب مانیفست‌های فمینیستی بر سر قدرت رقابت می‌کنند. در نتیجه، «در فرهنگ دیداری شده و از رسانه اشباع شده کنونی که مبتنی بر منطق بازار است، برخی مانیفست‌های فمینیستی، فرصت مشاهده‌پذیری بیشتری می‌یابند و در نتیجه ذهنیت فمینیستی خاصی، به همراه تعهدات سیاسی آن، درون رسانه‌های همگانی فرامشاهده‌پذیر<sup>۳</sup> و هنجاری می‌شود. در این فضا، رقابت برای مشاهده‌پذیری، در کار از بین بردن نقد فمینیستی سیاسی ساختاری، به نفع روایت‌های فمینیستی سیاست‌زدایی‌شده ساده‌تر است» (Banet-Weiser & Portwood-Stace, 2017: 584-585). فمینیسم عامه‌پسند در بافت معاصر بیش از همه در رسانه‌های اجتماعی دیجیتال ظاهر می‌شود که رویت‌پذیرترین بستر آن بوده‌اند. از نظر بنت‌وایزر (2020) فمینیسم معاصر تا حدی به دلیل فرم‌های رسانه‌ای که در آن توزیع می‌شود، عامه‌پسند شده و پیام‌های فمینیستی درباره برابری جنسیتی، مثبت‌نگری به بدن<sup>۴</sup>، مبارزه با آزار جنسی، و اعتماد به نفس در صنعت‌های چندگانه رسانه‌ای مشاهده‌پذیر می‌شوند.

بنت‌وایزر نتیجه می‌گیرد که «مشاهده‌پذیری فمینیسم عامه‌پسند، مهم است اما موضوع اغلب همین‌جا متوقف می‌شود، گویی دیدن یا خریدن فمینیسم برابر است با تغییر ساختارهای پدرسالارانه. گرچه امروزه نسخه‌های فمینیسم عامه‌پسند در اقتصاد مشاهده‌پذیری به صورت گسترده اشاعه می‌یابد و نگاه‌ها و طرفداران بیشتری را جلب می‌کند، به نظر نمی‌رسد که روابط قدرت مبتنی بر جنسیت تغییر چندانی کرده باشد» (Banet-Weiser, 2018b: 4). تداوم خشونت جهانی از سوی دولت، بازار و مردان جامعه زن‌ستیز، محدودیت فمینیسم عامه‌پسند را هویدا می‌کند و نشان می‌دهد که این گفتمان، ابزار سیاسی لازم را برای خنثی کردن این خشونت‌ها و نابرابری‌ها فراهم نمی‌کند. فمینیسم عامه‌پسند از نظر بنت‌وایزر (2020) بر نقد ساختاری

1 Stuart Hal

2 Terrain of struggle

3 Hyper-visible

4 Body positivity

فمینیستی سایه افکننده و از آن سیاست‌زدایی<sup>۱</sup> می‌کند. به عبارت دیگر جنبش زنان را از سیر جریان اصیل‌اش خارج کرده، و هم‌چون مانعی بر سر راه تحقق اهداف آن عمل می‌کند. البته بنت‌وایزر (2020) بحث خود را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که با همه نقدها بر فمینیسم عامه‌پسند، در اینجا چیزهای زیادی هم برای شادمانی کردن وجود دارد، از این نظر که اکنون فمینیسم، که دیرزمانی در رسانه‌ها و گفتمان‌های عمومی در حاشیه بوده‌است، به مشاهده‌پذیری عمومی دست یافته‌است که بحث و حتی کنش را درباره مسائل زنان تسهیل کرده‌است.

با توجه به اینکه زمان زیادی از طرح مفهوم فمینیسم عامه‌پسند نگذشته‌است، شمار پژوهش‌هایی که با این رویکرد انجام شده، انگشت‌شمار است. بنت‌وایزر (2018B) در کتابش، رد پای فمینیسم عامه‌پسند را در نمونه‌هایی از تبلیغات تجاری، پوشش‌های غیرانتفاعی و بسترهای چندرسانه‌ای شناسایی، و جمع‌بندی می‌کند که تعهد فمینیسم عامه‌پسند به مشاهده‌پذیری، پتانسیل و قدرت جمعی آن را محدود می‌کند. «تیشا دژمانی»<sup>۲</sup> (2018) فمینیسم عامه‌پسند را در وبلاگ‌های مُدِ دختران نوجوان آزمون کرده‌است و می‌گوید فمینیسم عامه‌پسند با اجرای دخترانگی<sup>۳</sup> از سوی این وبلاگ‌نویسان در هم آمیخته‌است. دژمانی و همکارانش (2020) برای تحلیل توثیتهای دربرگیرنده #من‌هم<sup>۴</sup> و #او هم<sup>۵</sup> در جریان دادرسی یک نامزد دادگاه عالی آمریکا به اتهام آزار جنسی، چارچوب فمینیسم عامه‌پسند را به کار می‌برند و درمی‌یابند که در هر دو جنبش مضامین مشابهی به کار رفته و این امر گواهی است بر منطق ساختاری‌ای که ظهور فمینیسم عامه‌پسند را به یک گفتمان عامه‌پسند زن‌ستیزانه پیوند می‌دهد. «ریچل وود»<sup>۶</sup> و همکارانش (2018) به ارزیابی محدودیت‌ها و قابلیت‌هایی می‌پردازند که سیاست فمینیستی از راه مشاهده‌پذیری در [بافت] نتولیبیرالیسم به صورت بالقوه با آن روبروست. این پژوهشگران، به همراه «الیزابت رید»<sup>۷</sup> در پژوهش دیگری (2020) با تمرکز بر مطالعه تجربه بازی پوشیدن لباس مبدل<sup>۸</sup> ری<sup>۹</sup> (از قهرمانان زن در سه‌گانه جنگ ستارگان) نتیجه می‌گیرند که ری نماینده نوع

1 Depoliticize

2 Tisha Dejmanee

3 Fashion Blogs

4 The performance of girlhood

5 #MeToo

۶ جنبش/ هشتگ او هم (#Hetoo)، پوششی در حمایت از قربانیان مرد تجاوز جنسی و در مخالفت با اتهام‌های دروغین تجاوز.

7 Rachel Wood

8 Elizabeth Reed

9 Costume playing



جدیدی از قهرمان عامه‌پسند فمینیست و الگویی برای دختران است که امکان درجه‌ای از نقد الگوهای جنسیتی هنجاری را برای دختران فراهم می‌کند گرچه به نهادینه کردن ویژگی انعطاف‌پذیری در آنها هم می‌انجامد. «سارا دبندیکت»<sup>۱</sup> و همکارانش (2019) از مفهوم فمینیسم عامه‌پسند برای مطالعه پوشش #من‌هم در مطبوعات انگلستان بهره می‌برند و نشان می‌دهند روزنامه‌ها در افزایش مشاهده‌پذیری و تقویت این پوشش نقش مهمی داشته‌اند. گرچه جنبش در روزنامه‌ها پوشش مثبتی داشته، همان الگوهای آشنایی همیشگی در پوشش رسانه‌ای فمینیسم را دنبال کرده‌است، یعنی حمایت در کنار سیاست‌زدایی از فمینیسم، فردی‌سازی آن از راه در مرکز قرار دادن تجربه سوژه‌های زن سلبریتی سفیدپوست و ثروتمند.

بنت‌وایزر (2018b) باور دارد که فمینیسم عامه‌پسند در سراسر جهان بیان و آزموده می‌شود. با این حال تاکید او بر تجربه آن در آمریکای شمالی و اروپاست. اغلب پژوهش‌های تجربی با این رویکرد نیز محدود به تجربه‌های غرب بوده‌است. در این پژوهش می‌کوشیم، این مفهوم را در بافت تحولات مربوط به کنش‌گری دیجیتال زنان ایرانی بیازماییم و آن را به بحث فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی کنشگران دیجیتال حوزه زنان پیوند بزنیم.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و تکنیک تحلیل محتوای کیفی انجام شده است، و در جستجوی پاسخ پرسش‌های پژوهش، به تحلیل کیفی محتوای به اشتراک گذاشته‌شده در حساب کاربری اینستاگرام چهار تن از فعالانی پرداخته‌ایم که تمرکز اصلی آنها بر مسائل و مطالبات زنان است. رویکرد ما در انتخاب رسانه اجتماعی، «تک‌پلتفرمی» (تک‌بستره)، و رویکرد پایه در گردآوری داده‌ها، «مبتنی بر حساب کاربری» بوده‌است (Mayr & Weller, 2017). حساب‌های کاربری نمونه به صورت هدفمند و عمدی بر این مبنا انتخاب شده‌اند که نخست، در مقایسه با بسیاری دیگر از صفحه‌های شخصی و گروهی فعالان حوزه زنان که بر مسائل زنان تمرکز داشته است، دنبال‌کننده بالاتری داشته‌اند؛ دوم، از نظر نویسندگان که در سال‌های اخیر بیشتر صفحه‌های کنشگران حوزه زنان را رصد کرده‌اند، نمونه بازنمای خوبی برای فمینیسم عامه‌پسند بوده‌اند. مشاهده و تحلیل نمونه‌ها در تابستان ۱۴۰۰ انجام شده‌است، و ۱۵ مطلب آخر هر کاربر (در مجموع ۶۰ مطلب)، با این شرط که به موضوع پژوهش مرتبط باشد، برای تحلیل محتوا

1 Rey

2 Sara De-Benedictis

گردآوری شده است. این نمونه کوچک، همان طور که «استاین لومبورگ»<sup>۱</sup> و «آنجا بچمان»<sup>۲</sup> (2014) می گویند، می تواند نشاگر ماهیت تلاش پژوهشگران برای دستیابی به بینشی کیفی تر درباره موضوع باشد. همچنین اندازه کوچک داده های ما متناسب با پرسش پژوهش بوده است، زیرا، به قول «فیلیپ مایر»<sup>۳</sup> «کاترین ولر»<sup>۴</sup> (2017) به دنبال «فهم پدیده ای خاص» (یعنی فمینیسم عامه پسند) در میان خرده جمعیتی از کاربران اینستاگرام بوده ایم، نه به دنبال تعمیم موضوع به همه کاربران. بنابراین یافته ها و تحلیل های ما نشان دهنده کلیت کنشگری زنان ایرانی در رسانه های اجتماعی نیست و صرفا به نمونه هایی از یک رویکرد فمینیستی خاص محدود بوده است. در این پژوهش، برای جستجوی یکپارچگی تحلیل متنی و بصری، با هدف ساخت کامل معنا از داده های اینستاگرام، همان طور که «تیم هایفیلد»<sup>۵</sup> و «تاما لیو»<sup>۶</sup> (2015) پیشنهاد کرده اند، ترکیبی از محتوای متنی، تصویری و چندرسانه ای، هشتگ و نظرهای دنبال کنندگان، گردآوری شده از حساب های کاربری نمونه، مواد خام این مطالعه را شکل داده است.

بر مبنای توصیه «فیلیپ مارینگ»<sup>۷</sup> (2014) موضوعات پربسامد شناسایی شده در مطالب اینستاگرامی نمونه «از داده ها استخراج شده است»، و مقوله بندی آنها بر اساس ترکیبی از هشتگ ها و کلیدواژه های به کاررفته در محتواها و معنای ضمنی برداشت شده از سوی پژوهشگران انجام شده است. اما ارزیابی محتواهای نمونه از نظر دارا بودن ویژگی های فمینیسم عامه پسند، به روش «قیاسی» مورد نظر مارینگ (2014) و «در ارتباط با دغدغه های نظری پژوهش» (Rose, 2016)، بر اساس ویژگی ها و مفاهیم استخراج شده از چارچوب مفهومی پژوهش صورت گرفته است. مقایسه مسائل و موضوعات پربسامد و چگونگی پرداختن به آنها در محتواهای نمونه با ارزیابی ویژگی های استخراج شده از ادبیات پژوهش، تحلیل مفاهیم، مباحث و ویژگی های خاص محتواهای کنشگران ایرانی را در مقایسه با رویکرد فمینیسم عامه پسند در بافت فرهنگ غربی برای پژوهشگران شدنی کرده است. ویژگی هایی که در بخش قیاسی پژوهش به کار گرفته شده، و در محتواهای نمونه جستجو شده اند، به شرح زیر بوده است:

1 Stine Lomborg  
 2 Anja Bechmann  
 3 Philipp Mayr  
 4 Katrin Weller  
 5 Tim Highfield, Tim; Leave, Tama  
 6 Tim Highfield  
 7 Tama Leave

- تلاش برای رشد روزافزون مشاهده‌پذیری و در نتیجه، درگیری در حلقه بازخوردها<sup>۱</sup>؛
  - درگیری در مساله محبوبیت همراه با تحسین هم‌فکران و واکنش شدید به غیرهم‌فکران؛
  - سلطه فمینیسم فردگرایانه<sup>۲</sup> مربوط به فرهنگ مصرفی نئولیبرال و ارائه راه‌حل‌های فردگرایانه برای نابرابری‌های جنسیتی؛
  - محدود بودن مخاطب هدف به زنان ممتاز، یعنی زنان سفیدپوست طبقه متوسط؛
  - تمرکز بر بدن زنانه و تبدیل دوباره آن به مکان آزادسازی که به کالایی‌سازی بدن و جنسیت منجر شده، بدن زن را به عنوان منبع ارزش معرفی کرده‌است و نظارت شدید بر آن را امری عادی و حتی مطلوب نشان می‌دهد؛
  - تبدیل هویت‌یابی به عنوان فمینیست به منبعی برای سرمایه فرهنگی و دعوت دائمی به توجه به موانع پیشرفت زنان در پویش‌های تبلیغاتی عاطفی فمینیسم عامه‌پسند و هم‌زمان، تاکید ضمنی بر این‌که غلبه بر این موانع، به انرژی و اشتیاق فردی این زنان و دختران بستگی دارد؛
  - تبلیغ فرهنگ مراقبتی از راه تاکید افراطی بر پیام‌های مربوط به خودسازی<sup>۳</sup>. عشق به خود<sup>۴</sup> و مراقبت از خود<sup>۵</sup> که سوژه فمینیستی جدیدی را به وجود می‌آورد که مسئولیت کامل مراقبت و رفاه خود را برعهده دارد و از تعریف فمینیسم به مثابه مبارزه‌ای سیاسی دور می‌شود؛
  - اشاعه کلمه‌های فمینیستی جدیدی که در آن شادی و تعادل جایگزین مقوله‌هایی چون استقلال، حقوق، آزادی‌بخشی و عدالت شده‌اند که به‌طور سنتی از بحث‌های فمینیستی جدایی‌ناپذیر بوده‌است، امری که به واژگونی هدف‌های کلیدی فمینیسم انجامیده‌است؛
  - و در نهایت، ارائه یک نسخه شاد و روحیه‌بخش از فمینیسم که در آن، دیدن و شنیدن یک فمینیسم مثبت، امیدوار و امن به شکلی تماشایی<sup>۶</sup>، اغلب بر نقد فمینیستی بر ساختار سایه می‌افکند (Gill, 2016; Rottenberg, 2014) (Banet-Weiser, 2020; 2018B; 2018; 2017).
- در این پژوهش برای رعایت ملاحظات اخلاقی، تنها به مطالعه آن دسته از حساب‌های کاربری پرداخته‌ایم که عمومی بوده‌اند. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از نام واقعی کاربران استفاده کرده‌ایم. اما با توجه به «نگرانی‌ها درباره نقض حریم خصوصی کاربران هنگام بهره‌برداری از تصاویر اینستاگرامی» (Laestadius, 2017: 585-586)، چهره آنها را در تصاویر محو کرده‌ایم. همچنین به اسامی کاربری دنبال‌کنندگان در جایی که نظرات آنها آمده‌است، اشاره‌ای نکرده‌ایم.

1 Feedback loop  
 2 Individualist feminism  
 3 Spectacular  
 4 Self-love  
 5 Self-care  
 6 Self-making

## یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا کنش‌گران نمونه و صفحه‌های آنها به صورت خلاصه معرفی می‌شود. سپس یافته‌های به دست‌آمده از ارزیابی صفحه‌های مورد مطالعه از نظر دارا بودن ویژگی‌های فمینیسم عامه‌پسند مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه، با معرفی موضوعات و مسائل پُرسامد بحث‌شده در حوزه زنان و جنسیت در این صفحه‌ها، نحوه صورت‌بندی و راهکارهای پیشنهادی حول هر مساله طرح می‌شود:

### ۱. معرفی نمونه‌ها

#### ▪ فرانک عمیدی

بیش از یک دهه از تولد صفحه اینستاگرام عمیدی، مجری رادیو جهانی بی‌بی‌سی در لندن می‌گذرد. صفحه او، تا زمان انجام مطالعه، دربرگیرنده ۶ هزار و ۵۰۰ مطلب، عمدتاً در حوزه مفاهیم و مباحث فمینیستی (با تمرکز بر بدن زن، آزادی و آگاهی جنسی، و حقوق اقلیت‌های جنسی) بوده است. وی در سه ماه اخیر به‌طور میانگین روزانه دو مطلب برای بیش از ۲۶۰ هزار دنبال‌کننده به اشتراک گذاشته است. دفاع از حقوق اقلیت‌های جنسی و نقد جامعه مردسالار پُرسامدترین موضوع‌ها در مطالب نمونه عمیدی بوده است. صفحه وی همچنین دریچه‌ای است به زندگی شخصی‌اش، همان‌طور که خودش می‌نویسد:

«چهل و دو ساله هستم. دوازده سال است از ایران خارج شده‌ام. با همسر و گریه‌ام زندگی می‌کنم. به موسیقی، مد و لباس، آشپزی و داستان‌نویسی و ورزش علاقه دارم و همه این‌ها را در این صفحه تا حدودی خواهید دید.»

#### ▪ سمانه سوادی

سوادی که خود را «کنشگر ایرانی برابری جنسیتی» تعریف می‌کند، بیش از 240 هزار دنبال‌کننده دارد. دانش‌آموخته حقوق جزای بین‌الملل و مستقر در انگلستان است. او وبلاگی را نیز در زمینه «محیط کار بدون آزار جنسی» اداره می‌کند. اولین مطلب سوادی به اردی‌بهشت ۱۳۹۳ بازمی‌گردد و از آن زمان، ۹۶۸ مطلب منتشر کرده است. شمار مطالب وی در سه ماه اخیر ۳۳ مورد بوده است. مساله مادری (و پدری) (در قالب موضوعاتی چون ناباروری، زایمان، عدم تقدس مادری، انزوا و افسردگی والدین) و ازدواج (مسائلی مانند طلاق، کار خانگی، تقسیم کار و چندهمسری) را می‌توان دغدغه‌های اصلی سوادی دانست. در میان مطالب نمونه، آموزش جنسی و نقد تبعیض قانونی جنسیتی پرتکرارترین موضوعات بوده است.

### ▪ شقایق نوروزی

نوروزی را احتمالاً مخاطبان از نقش‌آفرینی در سریال تلویزیونی بیداری در نقش ترنگ به خاطر دارند. صفحه او در آذر ۱۳۹۲ ایجاد شده‌است و اکنون دارای ۶۵۰ مطلب، و بیش از ۲۸ هزار دنبال‌کننده است. فعالیت نوروزی، که خود را «فمینیستِ وگان» می‌خواند، در صفحه شخصی‌اش محدود است (صرفاً ۱۸ مطلب در تابستان جاری). این بازیگر که به بارسلونا مهاجرت کرده‌است، در سال ۹۸ آزار جنسی‌اش در نوجوانی در جامعه هنری ایران را روایت کرد، و اکنون با صفحه «جنیش من هم ایران» همکاری فعالانه دارد. آزار جنسی (در قالب بحث‌هایی چون پویش من هم، جرائم جنسی، قربانی‌نکوهی، روایت‌گری و جرم‌انگاری آزار جنسی) پربسامدترین موضوعات صفحه نوروزی است.

### ▪ مینا خانی

خانی که خود را «فمینیست کوئیر» و «چپ» معرفی می‌کند، صفحه اینستاگرامش را در مرداد ۱۳۹۲ راه‌اندازی کرده‌است و از آن زمان بیش از هزار و ۵۰۰ مطلب را برای بیش از ۱۸ هزار دنبال‌کننده به اشتراک گذاشته‌است. نام خانی که رقصنده و بازیگر تئاتر ساکن برلین است، پیش از فعالیت گسترده در فضای مجازی، به دلیل روایت آزار جنسی‌اش در خانواده مطرح شد. او در سه ماه گذشته روزی دست‌کم یک مطلب در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی، با تأکید بر مسائل زنان و با موضوعاتی مانند فمینیسم، مردسالاری، زن‌ستیزی و آزار جنسی به اشتراک گذاشته‌است. مساله حجاب و وضعیت زنان افغانستان بیش از همه در نمونه‌های مورد مطالعه از صفحه خانی تکرار شده‌است.

## ۲. رد پای ویژگی‌های فمینیسم عامه‌پسند در نمونه‌ها

### ▪ مشاهده‌پذیری

شمار بالای دنبال‌کنندگان حساب‌های مورد مطالعه، در مقایسه با صفحه‌های دیگر کنشگران حوزه زنان<sup>۱</sup> و باز نشر گسترده مطالب آنها بر اساس مشاهده پژوهشگران، نشان می‌دهد که احتمالاً مباحث و موضوعات حوزه زنان در این صفحه‌ها در دسترس مخاطبان گسترده‌تری (در

۱ مقایسه کنید شمار دنبال‌کنندگان آنها را با معروف‌ترین صفحه‌های حوزه زنان ایران مانند فمینیسم روزمره (۱۸۴ هزار) و بیدارزنی (۲۱ هزار) و فعالان شناخته‌شده حوزه زنان در داخل کشور مانند «نجمه واحدی» (۴۸ هزار) و دیاسپورا مانند «منصوره شجاعی» (۸۷۵).

محدوده کاربران رسانه‌های اجتماعی) قرار می‌گیرد و احتمالاً این فعالان در حال نقش‌آفرینی در مشاهده‌پذیری و عمومی‌کردن این مباحث در فضای مجازی‌اند. تلاش برای مشاهده‌پذیری بیشتر در حساب‌های مورد مطالعه از راه اقداماتی چون پاسخ دادن دائمی به نظرات دنبال‌کنندگان، بازنمایی زندگی شخصی در قالب تصاویر شخصی، صحبت درباره مسائل چالش‌برانگیز روز و ماهیت سرگرمی برخی محتواها دنبال می‌شود.

#### ▪ محبوبیت

مشاهدات این پژوهش دوگانه تحسین افراد هم‌فکر و واکنش شدید به افراد غیر هم‌فکر را که از ویژگی‌های فمینیسم عامه‌پسند است، در محتواهای نمونه نشان می‌دهد. شمار زیادی از دنبال‌کنندگان در نظرات به تحسین کنش‌گران مورد مطالعه پرداخته‌اند که چشم آنها را به روی مسائل حوزه زنان باز کرده‌اند، چنین نظراتی معمولاً با گشاده‌رویی کنش‌گران روبرو می‌شود:

«نوشته‌ها تون مثل همیشه درست و دقیق بود چیزایی که هیچ‌جا آموزش داده نمیشن و خیلی مهم هستن»  
 «شما برای من مثل یه آموزگار مهربون و قابل اعتماد بودید و هستید 😊😊😊. از اینکه دنبال‌تون می‌کنم و بهتون رجوع می‌کنم خیلی مفتخرم»  
 «ممنون از آگاه‌سازی‌هات فرانک عزیز. من واقعاً خودم اول فکر می‌کردم اگر می‌خوام حق خودمو بگیرم باید مثل یک مرد تلاش و استقلال داشته باشم. حال آنکه خود تفکر «مثل یک مرد»، زن‌ستیزه و جایگاه انسانی خودم را نمی‌دیدم! انسان بودن ... لزوم احترام و انسانیت و آزادی رو با خودش میاره دیگه به انسانیت هیچ کاری نداره. نکات ظریفی را گفتی و آگاهم کردی. ممنونم»

نمونه‌ای از نظرات کاربران بر مطالب سواد (چپ) و امیددی (راست)

شمار چشمگیری از مطالب نمونه، بازنشر و نقد تند مطالب افراد دیگر با رویکردی مخالف است. در بخش نظرات نیز، بحث‌های مخالف معمولاً با واکنش شدید، از سوی خود فعالان و طرفدارانشان، روبرو می‌شود. برای نمونه بازنشر یک توثیت درباره روز مرد و بخشی از نظر خانی بر آن آمده است:

«روز مرد برای مردان، روز مظلومیت مضاعف است. مظلومیتی که در سایه‌ی ظلمی که به زنان می‌شود- هرگز دیده نشده. روز تنهایی و لبخند بر لب و در خود گریستن»  
 «این جریان آنتی‌فمینیستی کثیف بر جعل یک واقعیت سوار است، بر خلاف شما مردان (همان جنسی) ما هیچ امتیازی از مردسالاری نمی‌بریم. جایگاه تاریخی مرد در مردسالاری روشن است. شاخص شکاف جنسیتی ایران در بین ۱۵۶ کشور ۱۵۰ است، این یعنی زنان جامعه ایران در قعر جهنم شکاف جنسیتی هستند...»

بازنشر توثیت یک مرد روشنفکر ایرانی (چپ) و نظر خانی (راست)

نظرات مخالفان معمولاً با عباراتی چون «ادبیات سخیف» و «شرم‌آور» (خانی)، «دنبال تخریب» و «فاقد قدرت تحلیل» بودن (عمیدی) خوانده می‌شوند، که ناشی از افکار «نهادی‌شده» در اذهان پوسیده افکار عمومی ماست» (نوروزی).

#### ▪ فردگرایانه بودن

کنشگری زنان مورد مطالعه این پژوهش را از چند نظر می‌توان فردگرایانه دانست؛ نخست، صفحه آنها بر محوریت یک زن تمرکز دارد، در مقایسه با صفحه‌های مشابه که از سوی گروهی از زنان مدیریت می‌شود و در خیلی از موارد، نام گردانندگان اهمیتی ندارد. دوم، زنان مورد مطالعه به عنوان راویان مطالبات، مسائل و راهکارهای مشکلات زنان بر ساخت می‌شوند که در موقعیت تعیین خوب/بد بودن (یا فمینیستی/غیرفمینیستی بودن) نگرش‌ها و رفتار قرار دارند. این موقعیت به آنها امکان ارائه توصیه به کاربران را می‌دهد، موقعیت مرجعی که به نظر می‌رسد از سوی بسیاری از دنبال‌کنندگان پذیرفته شده‌است:

«ببخشید جنسیت‌زدگی یعنی چی؟ به چه جور کلامی یا برخوردی می‌گیم جنسیت‌زده؟ ممنون می‌شم توضیح بدید»

«سلام عزیزم روزت خوش. میشه به منبع در مورد حق و حقوقی که باید هنگام ازدواج بدونیم بهم بدی تعاریفشون و چگونگی مطالبه‌شون هنگام عقد»

#### نمونه‌ای از پرسش‌های دنبال‌کنندگان از خانی (چپ) و سواد (راست)

البته معمولاً زیر مطالب، گفتگویی جمعی درباره مسائل زنان شکل می‌گیرد و گاه روایت تجارب برخی زنان در صفحه‌های مورد مطالعه بازنشر می‌شود. همچنین شبکه‌ای از روابط میان فعالان ساخته شده‌است که به شکل پسند و بازنشر مطالب یکدیگر، برگزاری برنامه‌های مشترک زنده مشاهده می‌شود. در مطالب نمونه، سه مورد مشاهده شد که در آن کاربران از رابطه «خواهرانه» با یکدیگر صحبت کرده‌اند، برای نمونه خانی برای تبریک تولد نوروزی می‌نویسد:

«بی‌شک سال گذشته بدون حضور تو یکی برای من سال بسیار سختی می‌شد همدیگر را از طریق پیوستن به هم در جنبش می‌توی ایرانی شناختیم، چه شبه‌های زیادی با هم بیدار بودیم، چه فشارهایی را «با هم» تحمل کردیم، چقدر بودی وقتی حضورت ضروری بود. چقدر مهربان هستی وقتی به محبت نیاز می‌رفت پیدا کردیم همدیگر را و با هم ادامه دادیم، گرچه گاهی همه چیز دست به دست هم می‌داد تا فشار و خستگی تهمت‌ها نسبت به هم بی‌صبرمان کند. خواخور جان گرامی، خوشحالم که به دنیا آمدی، با اینکه سالها نیست که با هم خواخور شدیم اما کیفیت خواهری‌مان به سرعت بالا رفت. مرسی که هستی. دنیا بی‌شک با تو جای بهتری برای زنان است.»

با این حال کشمکش گفتمان‌های فمینیستی مختلف بر سر قدرت و مشاهده‌پذیری در مواردی در نمونه‌ها نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، مطالب فعالان مورد مطالعه از سوی برخی کاربران به عنوان نسخه سطحی و بی‌سوادانه از فمینیسم توصیف می‌شود:

<p>شما یک‌سری بی‌سوادین که گند زدین به فمینیسم. حرفاتون پر از مغلطه‌اس یک‌سری ابله و بی‌سواد هم میگن به به و چه چه. با مزخرفات عامه‌پسند فالور جمع می‌کنید.</p>	<p>شما چه فعالیتی برای زنان داخل ایران کردین؟؟ دقیقاً چه کاری انجام دادین؟؟ سواد این کارو دارین؟؟ جنبش من هم شما هم سلبریتی‌محور از آب دراومد. دست از سر ما زنان داخل ایران و خاورمیانه بردارین. ما کسایی و داریم مثل نرگس محمدی، امسال شما فقط دنبال جلب توجه و پول هستین دستتون رو شده.</p>
---	---

دو نمونه از نظرات چالشی کاربران بر مطالب عمیدی (چپ) و سواد (راست)

همچنین گاه نقدهای تندی از سوی دیگر فعالان زنان بر مطالب کاربران مورد مطالعه طرح می‌شود که رویکرد آنها درباره مسائل زنان را به چالش می‌کشند که معمولاً با پاسخی تند روبرو می‌شود. برای نمونه، می‌توان به رشته نقد «مرمر مشفقی» یکی دیگر از فعالان این حوزه اشاره کرد بر نوشته‌های نروزی درباره آزار جنسی از رویکردی حقوقی؛ نروزی، در پاسخ، منتقد را به فاصله داشتن با واقعیت ماجرا متهم می‌کند:

<p>«نگرانی من این است که واقعا باور کرده باشی سازوکار قانونی وجود دارد که کارها را به نفع عدالت دارد پیش می‌برد. و اگر خبر داری که چنین سازوکاری نیست، دوباره دوست دارم بپرسم از تو، از آنچه بر راویان متهمان قدرتمند می‌گذرد خبر گرفتی؟»</p>	<p>«شقایق جان همه می‌دانیم که دادگاه‌ها عادلانه نیست و همه این نکاتی که اشاره کردی هم موضوع داغ همیشگی انجمن‌های فمینیستی است. اما این سوال رو لطفا جواب بده، یعنی ما به خاطر اینکه ناکارآمدی وجود دارد باید خودمان قاضی باشیم و متهم و محکوم کنیم؟ اگر بله، آیا مجازات و جرم هم‌خوانی دارد؟ مثلاً برای یک تعرض کلامی را چه مجازاتی در دادگاه شخصی در نظر می‌گیرید و برای یک تجاوز چه مجازاتی و برای چندین تجاوز چه؟»</p>
---	---

<p>«نمی‌دونم چرا فکر می‌کنی روی میز کار ما این فکر وجود ندارد و باید به ما گفته شود. همین مساله هست، یعنی همین که تو چنین فکری بکنی. در غیر این صورت برایت پُر واضح می‌شود که هزار مساله دیگر هست که باید از آنها به من که روزه‌روز درگیر جنبش هستم حرف بزنی. تمام حرف من این است که صادقانه حتی فکر تو به اینکه به من بگویی باید</p>	<p>«نگرانی؟ من قطعاً بر اهمیت قانون تاکید می‌کنم و برای بهتر شدنش تلاش، نگرانی که من به سازوکار قانون و به نفع عدالت باور داشته باشم؟ من قطعاً به هرج‌ومرج و دادگاه صحرایی باور ندارم و حکومت قانون در کشورهایی که سال‌ها برای رسیدن به این</p>
---	---



نقطه مبارزات کردند و حکومت قانون یکی از مهم‌ترین دستاوردهاست برام مهمه. گوش دادن به روایت‌ها و باورش‌ها یک بحثه، دادگاه شخصی یک بحث.»

ببریمش دادگاه، یعنی خیلی فاصله داری از تمام آن چه ما داریم انجام می‌دهیم و باز صادقانه بگویم از کسی خارج از جنبش زنان این طرز نگاه را می‌توانم فهم کنم ولی از تو نه.»

بریده‌ای از نقدهای مشفق (چپ) و پاسخ‌های نوروژی (راست)

### ▪ تبلیغ فرهنگ خودمراقبتی

تبلیغ فرهنگ خودمراقبتی در صفحه دو تن از کنش‌گران، سواد و عمیدی، جایگاه پررنگی دارد که در صفحه سواد بیشتر به صورت تاکید بر مراقب از بدن، سلامت جسم و روان و بهداشت زنان دیده می‌شود. در صفحه عمیدی این نوع محتوا در قالب موضوعاتی چون آموزش ورزش در خانه، سلامت روان، اضطراب و افسردگی، اعتماد به نفس و خودتوانمندسازی پُر شمار است و حتی دو هایلایت<sup>۱</sup> جداگانه با عنوان خودمراقبتی مشاهده می‌شود. دو نمونه از این نوع محتوا برگرفته از صفحه عمیدی در ادامه آمده‌است:

«... دفترچه‌ای برای خود بگیرد که قشنگ است با چند خودکار خوشرنگ و قشنگ. یک روز که حالتان خوش است فهرستی از چیزها و کارهایی را بنویسید که وجودشان و انجام‌شان دلتان را شاد می‌کند. کارها و چیزهایی که هزینه مالی ندارند، راه رفتن در برگریزان، یک فنجان چای داغ، خواندن دستوره‌های پخت غذا، گوش دادن به برنامه رادیویی، نوشتن، شنیدن صدای برادرزاده و غیره. دفترچه را در جایی دم دست بگذارید تا هر وقت حال بد شروع به خزیدن در درونتان کرد به آن فهرست رجوع کنید و با تمام مشکلات دست کم یکی از آنها را برای خود انجام دهید. این کار افسردگی شما را از بین نمی‌برد اما به شما مجوز لذتی آنی را می‌دهد، همان چیزی که در زمان خوشحالی حق مسلم خود می‌دانید و در افسردگی خیر. مراقب خودتان و اطرافیان‌تان باشید.»

«برای اینکه ما بتونیم صدای درونی خود را پیدا کنیم باید اول اعتماد به نفس داشته باشیم و بعد از اون باید ترس‌هامون را ببینیم و اونها را کنار بزنیم.»

### ▪ مخاطب هدف محدود

شناسایی مخاطبان صفحه‌های مورد مطالعه کار آسانی نیست؛ از یک سو موضوعاتی که در این صفحه‌ها طرح می‌شود متنوع، و برخی از آنها، مبتلابه گروه‌های اجتماعی متنوعی از زنان ایرانی است. از دیگر سو، کلیدواژه‌ها، ادبیات و دغدغه‌های برخی صفحه‌ها (به‌ویژه محتواهای خانی و نوروژی) به گونه‌ای است که بیشتر برای زنان تحصیل‌کرده قابل فهم است، نمونه آن متنی سخت‌خوان از استوری‌های خانی است:

1 Highlight

رتوریک حاشیه را برای مرکز استفاده کردن یک رفتار سمی است، رتوریک یک زن معترض را برای مردان قدرت استفاده کردن یک رفتار سمی است، مناسبات اجتماعی پیچیده هستند اگر در تحلیل پیچیدگی ماندید با رفتار سمی نمی‌توانید رتوریک کسی را از آن خود کنید. مردان هم مورد ستم قرار می‌گیرند اما نه به خاطر مرد بودن، مرکز هم در شرایط استبدادی مورد ستم است اما نه از جایگاه حاشیه.

گفتنی است کاربران مورد مطالعه، در مباحث خود یک چارچوب فمینیستی جهانی را اتخاذ کرده‌اند، و ضمن معرفی اندیشمندان و کنشگران حوزه زنان در سطح جهانی، مسائل حوزه زنان را با رویکردهای برگرفته از ادبیات فمینیستی جهانی تحلیل می‌کنند. همچنین همه کنشگران نمونه، خارج از مرزهای جغرافیایی ایران زندگی می‌کنند و مطالعه درک آنها از وضعیت زنان داخل کشور و پیوند مطالبات مطرح‌شده از سوی آنان با بافت محلی نیازمند مطالعه بیشتر است.

#### ▪ تمرکز بر بدن زنانه

در بیشتر صفحه‌های مورد مطالعه مشاهده‌پذیر کردن بدن زنانه در قالب توصیه‌های مربوط به سلامت و بهداشت، پذیرش بدن طبیعی و مثبت‌نگری به بدن و همچنین گفتگو درباره امور تنانه زنانه چون یائسگی، عادت ماهانه، بارداری و زایمان و ... مورد بحث قرار می‌گیرد که بیشتر جنبه آموزشی دارد. اما در صفحه عمیدی، به‌طور خاص، بدن برهنه زنانه سوژه مطالب زیادی است، که در قالب تصاویری از بدن زنان دیگر، نمایش اندام‌های جنسی و تصاویر نیمه‌برهنه از خود کاربر با هشتک‌هایی چون #بدن من و #تابوی بدن زن به نمایش درمی‌آید که به گفته خودش با هدف «غیرسکسوالیزه کردن» بدن زنانه و نشان دادن «عاملیت و اختیار زن بر بدنش» صورت می‌گیرد. برشی از یکی از مطالب مفصل عمیدی در این باره به عنوان نمونه آمده‌است:

«... بدن برهنه یا عکس برهنه افراد صرفاً جنسی و سکسوال نیست. این نگاه به بدن زن باید تغییر کنه تا عاملیت سکسوالیته زنان و امنیتشون بهشون برگردونده بشه. وگرنه تا وقتی این نگاه هست زنان هر چه بپوشند و هر حرکتی کنند تصور اینه که همیشه بهشون دست زد و باهاشون رفتار جنسی کرد...»

#### ▪ فمینیسم به مثابه سرمایه فرهنگی

به نظر می‌رسد کارکرد پویای عاطفی حول مسائل زنان در نمونه‌های پژوهش نوعی اعتمادسازی میان فعالان و کاربران است که از راه استراتژی‌هایی چون تعریف مساله و درد مشترک حول زن‌بودن، برقراری رابطه شخصی با کاربران (عمیدی دنبال‌کنندگان خود را گل‌منگولی‌ها می‌خواند!) و به‌اشتراک‌گذاری زندگی شخصی و روزمره به‌ویژه در قالب تصاویر شخصی کنش‌گران صورت می‌گیرد؛ در مجموع ۱۶ تصویر از ۵۱ مطلب اینستاگرامی نمونه،

تصویر خود کاربران (اغلب بدون ارتباطی با متن) بوده‌است. به نظر می‌رسد این نوع اعتمادسازی ناشی از فعالیت به عنوان فعال حوزه زنان، ضمن ایجاد موقعیتی ویژه برای آنها، موجب شده‌است در مواردی نام آنها مهم‌تر از مساله یا مطالبه مطرح‌شده در حوزه زنان باشد و آنها را به فمینیست سلبریتی<sup>۱</sup> تبدیل کند.

### ۳. معرفی موضوع‌های پُرسامد کنش‌گران ایرانی

در بخش پیشین رد پای ویژگی‌های فمینیسم عامه‌پسند را در محتواهای نمونه نشان دادیم. تحلیل محتوای مطالب اینستاگرامی نمونه همچنین نشان می‌دهد که در این محتواها مسائل و مطالبات سیاسی حوزه زنان نیز پی‌گیری شده‌است. از این نظر، رویکرد کنش‌گرانی ایرانی با رویکرد فمینیسم عامه‌پسند در بافت فرهنگ غربی که به سیاست‌زدایی از مسائل حوزه زنان تمایل دارد، متفاوت است. در ادامه پرسامدترین موضوعات و مسائل مطرح‌شده در حوزه زنان و نحوه پرداختن و صورت‌بندی این مسائل از سوی کنش‌گران مورد مطالعه معرفی می‌شوند:

#### ▪ نقد گفتمان‌های مردسالار

نقد گفتمان‌های مردسالار و زن‌ستیز جامعه، پرسامدترین موضوعی است که در دست‌کم یک‌سوم مطالب نمونه به‌صورت مستقیم یا ضمنی مطرح شده‌است. در این مطالب، فرهنگ و فقه ریشه برخی نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت معرفی، و حمایت سنت، مذهب و قوانین از رویکردهای جنسیت‌زده نقد شده‌است. مخاطب این نقدها گاهی افراد (به‌ویژه مردان) هستند. برای نمونه نوری توئیت یک مرد را درباره یک ورزشکار زن ناشی از «نگاه مرتجع و ساختار ذهنی صلب تماماً مردانه» می‌داند که توانی در فهم «حذف‌شدگان» و «ستم‌دیدگانی» چون زنان ندارد. خانی با بازنشر توئیت یک زن درباره بدن زنان، «کلیشه‌های جنسیتی» آن را نقد کرده و آن را مشابه «بیان‌های کول مردهای زن‌ستیز» می‌خواند. مخاطب، گاهی ساختار سیاسی است که «یک سیستم مردسالار سازماندهی‌شده» توصیف می‌شود (خانی). دسته دیگری که به شدت مورد حمله قرار گرفته‌اند، مردان روشنفکر ایرانی «مدعی برابری خواهی آنتی‌فمینیست» هستند که با وجود تبعیض جنسیتی علیه زنان، به جای حمایت از آنان، «دلواپس توهم مردستیزی» «فمینیسم ایرانی» هستند:

«... عده‌ای از مردان به جای اینکه از زن‌ستیزی حکومت بگویند دلواپس توهم مردستیزی فمینیسم ایرانی هستند! فمینیسمی که به شدیدترین صورت ممکن در کشور سرکوب شده و به جز چند تریبون کوچک خودساخته چیزی

ندارد، حالا شده سرچشمه نگرانی مردان صاحب‌امتیازی که انتخاب کرده‌اند زن‌ستیزی را نبینند اما بهشان بریخورد که چرا فمینیسم به «زنان» می‌پردازد و نه به مردان!!! رک بگویم زن‌ستیزی در ایران فقط محدود به حکومت نیست! ریشه تنومند دارد! کارمان سخت است.» (عمیدی)

همچنین نقد می‌شود که مردان ایرانی با تحلیل‌های کورجنس‌انه و بدون نقش‌آفرینی در راه برابری جنسیتی، با توجه به «زندگی مردانه‌ی پُرامتیاز» خود برای فعالان زنان تعیین تکلیف می‌کنند:

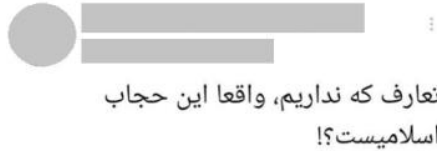
«و در آخر خوشحال می‌شوم بدانم در همین سالِ پشت سر، در پی انتشار صدها روایت تلخ و پردرد زنان ایران در جنبش #می‌تو شما چه کرده‌اید که حالا فعالان جنبش را به میدان فراخواندید، جناب؟!» (نوروزی)

پیشنهاد جایگزین این است که مردان فعالانه «مقابل جنسیت‌زدگی و زن‌ستیزی» بایستند: «... در جامعه ایران به جای اینکه بگوییم جنسیت برایم مهم نیست باید به طور فعال مقابل جنسیت‌زدگی و زن‌ستیزی بایستیم. باید درک کنیم که چرا نباید جنسیت را در این ساختار نادیده بگیریم! باید ساختار ستم جنسیتی را ببینیم و نسبت به آن حساس باشیم. برایم جنسیت مهم نیست، یک موضع منفعل است که به درد خودتان و باد کردن ایگوی روشنفکری‌تان می‌خورد و بس، اینکه توقع دارید زن ایرانی در مقابل این موضع منفعل شما دائم ازتان قدردانی کند مسخره است.» (عمیدی)

اصلی‌ترین راهکار مقابله با گفتمان مردسالار در مطالب نمونه، «تقویت گفتمان فمینیستی» و «بلند شدن صدای فعالان اجتماعی زن» در تحلیل مسائل اجتماعی (نوروزی) معرفی می‌شود. البته در برابر «مردانگی رسمی» که به دنبال کنترل زنان است، یک نوع «مردانگی غیررسمی و آلترناتیو» (خانی) نیز از سوی کاربران بر ساخت، و تحسین می‌شود.

## ▪ حجاب و پوشش زنان

مساله حجاب و آزار جنسی از دیگر مسائلی است که در شمار قابل توجهی از محتواهای نمونه دیده شده‌است (هریک در تقریباً یک‌سوم مطالب نمونه). «اجباری بودن حجاب» و لزوم «آزادی انتخاب پوشش» در محتواهای نمونه در قالب طیف متنوعی از رویکردها نقد می‌شود که در یک سر آن، حق انتخاب پوشش «اولیه‌ترین حقوق زنان» (سوادی) و در سر دیگر، اجبار به حجاب، «کنترل‌گری افسارگسیخته مرد» یا حکومت به نام غیرت (خانی) تعریف می‌شود. تحولات مختلف روز دست‌مایه گفتگو درباره پوشش زنان بوده‌است؛ از انتشار تصویر یک زن سرتاپا پوشیده حامی طالبان که دست‌مایه نقد «گفتمان حجاب برتر» در داخل کشور شده‌است، تا انتقادات افراط‌گرایانه به پوشش زنان ورزشکار ایرانی (تصور ش.ا).



Translate Tweet



0:18 · 19 Sep 21 · Twitter for Android

تصویر ۱. بازنشر و نقد یک توئیٹ (خانی)

### ▪ آزار و خشونت جنسی

در مطالب نمونه، جامعه مردسالار بر سر آزار جنسی زنان به شدت مورد حمله قرار می‌گیرد. خانی خشونت جنسی را «سلاح اعمال قدرت مردانه برای سرکوب هرکسی که از هنجارهای جهان مردسالار عدول کرده»، و نوروژی آن را «کثافتی تماما مردانه که بار پاک کردنش بر عهده زنان افتاده» توصیف می‌کند. به دنبال موجی از افشاگری‌ها در فضای مجازی درباره آزارهای جنسی زنان ایرانی (به‌ویژه از سوی شخصیت‌های شناخته‌شده هنری)، کاربران مورد مطالعه، ضمن بازنشر روایت قربانیان، آنها را تحسین و حمایت کرده‌اند به این امید که «...سکوت‌هایی که فریاد می‌شوند فردای امن‌تری را برای زنان رقم بزنند.» (نوروژی).

آنها همچنین به نقدِ نکوهش و منع قربانی از روایت آزار جنسی از سوی «فرهنگ تجاوز»

پرداخته‌اند:

«نکوهش راوی یا قربانی آزار عنصر لاینفک و مهم تداوم #فرهنگ\_تجاوز است. یکی از پایه‌های اصلی سیستم و فرهنگ تجاوز، سکوت قربانی است. فرد آزارگر روی این سکوت سرمایه‌گذاری می‌کند، این سکوت برای آزارگر و برای استمرار چرخه آزار چه در سطح کوچک و چه در سطح گسترده در جامعه لازم و حیاتی است» (عمیدی)



تصویر ۲. پویش من هم در مطلب نوروزی

همچنین، بستر قانونی کنونی در ایران و جهان در زمینه گزارش و شکایت موارد آزار و خشونت جنسی، ناقص و دارای ایرادهای بنیادی معرفی می‌شود. در این راستا ارجاعات زیادی نیز به پویش #من هم شده است (تصویر ش.۲)، و درباره علل شکل‌گیری، نقش آن در روایت‌گری آزار جنسی و اصلاح قوانین مربوط بحث شده است:

«...#می تو در غرب پا گرفت چون سازوکار قانون در آنجا از رسیدگی عادلانه به مسئله خشونت جنسی عاجز بود و البته هنوز هم هست...» «... در طی جنبش می تو تا الان قدم‌هایی برداشته شده، به ویژه وقتی آزار دیده صدایی بیشتر از زنان دیگر داشته گاهی موفق شده قدم‌هایی برای کارآمد شدن قانون بردارد.» (نوروزی)

#### ▪ نقد ناکارآمدی حقوق و قوانین در حوزه زنان در ایران

نقد ناکارآمدی قوانین حوزه زنان در ایران (از جمله در مورد تمکین عام و خاص، سهم زنان از زندگی مشترک، ولایت فرزند و کار خانگی زنان)، عمدتاً با اتخاذ چارچوب حقوق بشرگرایی، یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی کاربران مورد مطالعه بوده است. در مطالب آنها، محروم کردن زنان از «حقوق اساسی انسانی و مدنی» به دلیل جنسیت، یا «پیش‌شرط‌گذاری برای مطالبه حقوق برابر» (مثلاً در برابر انجام وظایف برابر) به شدت تقبیح شده است:

«همه لایق حقوق بشر هستیم و تنها زمانی بعضی از این حقوق می‌تواند از ما سلب شود که در دادگاهی عادلانه جرم ما ثابت شود و به خاطر مجازات این حقوق از ما سلب شود. مطالبه زنان برای حقوق برابر حقانیت دارد و لازم نیست زنان شایستگی داشتن حقوق بشر را ثابت کنند.» (عمیدی)

همچنین ضمن نقد گفتمان حقوقی مبتنی بر فقه، بحث شده‌است که «قوانین و مقررات زن‌ستیز» «عقب راندن زنان» (عمیدی) را دنبال می‌کند. راهکار پیشنهادی مقابله، از نظر بیشتر کاربران، مطالبه حقوق برابر با رویکردی «برابری خواهانه و فمینیستی» (سوادی) بوده‌است.

### ▪ زنان افغانستان

با توجه به هم‌زمانی بازه زمانی مطالعه و قدرت گرفتن طالبان و قوانین زن‌ستیزانه آنها در افغانستان، تبعات این تحولات بر زندگی زنان و اقلیت‌های جنسی این کشور در محتواهای مورد مطالعه با محورهایی متنوع به بحث گذارده شده‌است (تصویر ش.۳)؛ برای نمونه نگرانی از سرکوب و حذف زنان افغانستانی از عرصه‌های اجتماعی با اشاره به محدودیت‌های اعمال‌شده علیه فعالیت اجتماعی آنها، یا تحسین مقاومت فرماندار زن هرات در برابر طالبان. سوادی در این باره می‌نویسد:

«... گفتند «طالب‌ها برای برخورد با زنان آموزش ندیده‌اند، پس زنان در خانه بمانند». این جمله این‌قدر ترسناک است و از هر سویی زن‌ستیزی می‌بارد که وحشت می‌کنم. برای این‌ها زنان انسان تعریف نمی‌شوند، زنان را همچون گونه‌ای کمیاب از موجودات یا آدم فضایی می‌بینند که برخورد با آنها و حفظ کرامت انسانی‌شان نیازمند آموزش است. فردا روز است که بگویند این‌ها همه مسائل فرهنگی‌ست و با توسل به احترام به فرهنگ‌های مختلف دهان منتقدان و معترضان را ببندند. طالبان همان طالبان است، اما با غرب و کشورهای منطقه به توافق رسیده.»



تصویر ۳. برگرفته از صفحه سوادی

به نظر می‌رسد حول این مقوله، نوعی همبستگی فراملی فمینیستی شکل گرفته‌است که از راه‌هایی چون بازنشر روایت زنان افغانستانی (مانند بازنشر روایت حذف تصاویر زنان فعال از دیوار یک پاتوق فرهنگی در کابل از سوی خانی) یا بازنشر مصنوعات جنبش زنان افغانستان (برای نمونه بازنشر ویدئویی در ستایش حماسه‌ی زنان افغانستان از سوی نوروزی) تقویت

می‌شود. این همبستگی از راه مقایسه گفتمان طالبان درباره زنان با گفتمان‌های زن‌ستیزانه داخل کشور و تشابه تجربه‌های زنان ایرانی و افغانستانی تقویت می‌گردد.

### ▪ آموزش و آگاهی جنسی

آگاهی‌بخشی درباره امور جنسی یکی دیگر از موضوع‌های پُرسامد است. در این مطالب، بیش از همه بر لزوم رضایت زنان برای برقراری رابطه جنسی تاکید شده‌است که در قالب «نیاز انسان به محترم بودن و داشتن کرامت انسانی» و عدم کسب رضایت به مثابه «تجاوز زناشویی» صورت‌بندی شده‌است. نابرابری جنسیتی در این حوزه، از یک سو به عرف و فرهنگ سنتی و مذهبی (برای نمونه حول عدم به رسمیت شناختن نیاز جنسی زنان و یا مساله بکارت) و از دیگر سو به ساختار قانونی (برای نمونه تبعات قانونی عدم تمکین زنان) نسبت داده شده‌است:

«هیچ نیازی فراتر از نیاز انسان به محترم بودن و داشتن کرامت انسانی نیست. نمی‌توانیم به بهانه نیاز جنسی، کرامت دیگری را زیر سوال ببریم. این اصل را فراموش نکنیم «رابطه جنسی بدون رضایت تمام طرفین، تجاوز است.» (سوادی)

### ▪ حمایت از اقلیت‌های جنسیتی و جنسی

در محتواهای مورد مطالعه، جنسیت به‌عنوان «ساختارهای ساخته دست بشر» تعریف، و بر لزوم به رسمیت شناختن تنوع گرایش‌های جنسی تاکید شده‌است. بر این اساس، در شماری از محتواها، «استانداردهای سخت‌گیرانه جامعه» برای افراد دگرجنس‌گرا نقد شده‌است. گفتگو درباره اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، حول وضعیت دشوار و تجربه‌های سخت آنها در جهان و ایران (برای نمونه آمار بالای خودکشی و بیماری‌های روانی در آنها) صورت گرفته‌است که به عدم وجود آگاهی، آموزش و در نتیجه «رفتارها و گفتارها و بینش‌های دگرباش‌هراسانه» و «خشونت سیستماتیک علیه بدن‌های» آنان نسبت داده می‌شود. در این دسته از محتواها از مخاطبان به دلیل نقش بالقوه در «چرخه خشونت» علیه این اقلیت‌ها به شدت انتقاد می‌شود:

«... به جای اینکه با یک خط‌کش راه بیافتن «نرمال» بودن خیالی و من‌درآری آدمها را اندازه بگیرین و هرچه به نظرتان رایج نبود را «غیرنرمال» برچسب بزنین، سرتان به کار خودتان باشد و بفهمید و درک کنید که این تنوع همیشه در انسان بوده، انسانها متنوعند و از اولی که این ساختارهای جنسیت و جنسی توسط بشر ساخته شد همیشه انسانهایی بودند که از آن ساختار پیروی نکردند، در آن جا نمیشدند یا به آن حس تعلق نداشتند. چون تو قیافهات رایج و معموله به این معنی نیست تو نرمال و «خوبی» و دیگری غیرنرمال و «بد» است. چون تو و اطرافیانت در اینستاگرام فلان جور رفتار نمی‌کنید قرار نیست همه مثل شما رفتار کنند.» (عمیدی)



بحث درباره مادری، زنانگی و کار خانگی زنان، از دیگر موضوعاتی است که با بسامد کمتر در مطالب نمونه مشاهده شده است:

### ▪ مادری و زنانگی

«تعریف سنتی» از مادری و زنانگی در مطالب نمونه به چالش کشیده شده است؛ به نظر می‌رسد تلاش کاربران برای «تقدس‌زدایی از مادری» با هدف زیر سوال بردن گفتمان رسمی تبلیغ‌شده از سوی حکومت یا «گفتمان زن خوب» است، زنی که به گفته سوادى «... عاشق زاییدن و پختن و نداشتن حق طلاق است و دلش غنچ می‌رود برای خروج از کشور برود اجازه بگیرد از «آقاشون». همچنین این‌گونه استدلال شده است که ارائه تعاریف فانتزی از مادری و زنانگی (مانند لطافت و زیبایی) برای «توجیه تضييع حقوق اولیه انسانی» (عمیدی) و اعمال محدودیت و سرکوب زنان صورت می‌گیرد، و سرپیچی زنان از این تعاریف «محدودکننده»، واکنش تند جامعه را (از راه‌هایی چون برچسب‌زنی) (سوادى) به دنبال دارد.

### ▪ کار خانگی

برخی کاربران مورد مطالعه از نادیده گرفته شدن بار کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد بر زنان، به‌ویژه زنان غیرشاغل، انتقاد کرده‌اند که «بدون ساعات کاری مشخص و حقوق، مزایا، بیمه و مرخصی» (سوادى) انجام می‌شود. آنها ابراز خشم کرده‌اند که با این وجود، «زنان خانه‌دار»، به‌عنوان زنان «بی‌مسئولیت» (عمیدی)، «مفت‌خور» و «بی‌کار» (سوادى) تحقیر می‌شوند:

«...حالا از خودتان بپرسید، آن زن خانه‌داری که «مفت‌خور» و «بی‌کار» خطابش می‌کنید، چند شغل را به‌طور همزمان و بدون ساعت کاری مشخص، حقوق، مرخصی و بیمه و مزایا انجام می‌دهد؟ چرا این کارهای بدون مزد بیشتر توسط زنان انجام می‌شود؟» (سوادى)

در مطالب نمونه همچنین ناکارآمدی قوانین این حوزه نقد شده است، به‌ویژه گفتمان حقوقی که اجرت‌المثل را جبران کار خانگی زنان ارزیابی می‌کند، «تحقیرآمیز» تلقی شده است، با این استدلال که بر اساس آن به گفته سوادى

«آن خانه و زندگی و آن بچه از منظر حقوقی و شرعی اصلاً متعلق به زن نیست! زن سهمی از زندگی مشترک ندارد، زن ولایتی بر فرزند خود ندارد. بنابراین می‌تواند مثل یک نیروی خدماتی درخواست حقوق کند. این تحقیر زنان است نه دادن حق به زنان!»

راهکار جایگزین پیشنهادی مطالبه‌گری زنان برای گرفتن «سه‌م‌شان از آن زندگی و حق ولایت بر فرزندان‌شان» (سوادی) است:

«حق زنان برخورداری از فرصت‌های تحصیلی و شغلی برابر، امکان تحصیل و اشتغال بدون اجازه همسر، محیط کار امن و عاری از آزار جنسی، مرخصی زایمان و امیت شغلی است. همچنین آموزش مردان و همه اعضای خانواده برای انجام کار خانگی، دادن مرخصی زایمان به پدران برای مشارکت در فرزندپروری و شکستن کلیشه تعلق کار خانگی به زنان می‌تواند گام‌هایی موثر باشند برای احقاق حقوق زنان»

در تصویر زیر، موضوعات شناسایی شده در مطالب نمونه، در کنار هشتگ‌های به‌کاررفته از سوی کاربران در قالب ابر واژگان<sup>۱</sup> بصری‌سازی<sup>۲</sup> شده‌است تا تصویری کلی داده شود:



همان گونه که مشاهده شد، پُرسامدترین موضوعات مطرح شده در نمونه‌های مورد مطالعه از صفحه کنش‌گران نشان می‌دهد که همچنان دغدغه‌های سنتی فمینیستی، به‌ویژه در چارچوب مسائل حقوقی، در این صفحه‌ها دیده می‌شود. بر این اساس همچنان هدف‌ها و واژه‌های کلیدی فمینیسم در این محتواها دنبال می‌شود، و دغدغه‌های فمینیستی کنش‌گران مورد مطالعه را نمی‌توان در بافت ایران غیرسیاسی دانست.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش محتواهای فمینیستی به‌اشتراک گذاشته شده از سوی برخی کنش‌گران حوزه زنان در اینستاگرام را که بیش از همه فرصت مشاهده‌پذیری یافته‌است، در چارچوب مفهوم

1 Word-cloud

2 Visualised

فمینیسم عامه‌پسند تحلیل کردیم. در این تحلیل، اینستاگرام را به مثابه مکانی بالقوه برای ظهور این نوع فمینیسم در نظر گرفتیم که استطاعت‌های رسانه‌ای آن، خود می‌تواند در عامه‌پسندی فمینیسم مشارکت داشته باشد.

تحلیل کیفی محتوای نمونه‌های استخراج‌شده از حساب کاربری پُربازدید چهار کنشگر نشان داد که موضوعات پُربسامد بحث‌شده در حوزه زنان و جنسیت در این حساب‌ها را می‌توان نقدهایی سیاسی در نظر گرفت. به‌ویژه وقتی این موضوعات را در بافت ساختار سیاسی ایران قرار دهیم که فرصت‌های محدودی را برای مسائل و کنشگری زنان برمی‌تابد، بُعد سیاسی آنها برجسته‌تر می‌شود.

در نمونه‌ها، نابرابری ساختاری در امتداد جنسیت و گرایش جنسی به رسمیت شناخته شده‌است، و در مواردی به ریشه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها اشاره می‌شود. هم‌زمان، رد پای ترویج فرهنگ خودمراقبتی و توانمندسازی فردی که آمیخته با مفاهیمی چون شادی، تعادل و موفقیت است، در برخی صفحه‌های مورد مطالعه مشاهده می‌شود. همچنین ارائه روایت‌های فمینیستی ساده‌سازی‌شده از مسائل زنان در کنار نمایش و زیبایی‌سازی سبک زندگی فعالان (به‌ویژه در قالب تصاویر) در برخی نمونه‌ها (به‌ویژه در صفحه عمیدی) مشاهده می‌شود. از دیگر سو، گرچه رفع نابرابری‌های جنسیتی از نظر کنش‌گران مورد مطالعه در موارد بسیاری از راه مبارزه با «گفتمان مردسالار و زن‌ستیز» و تغییرات ساختاری می‌گذرد، این راهکارهای ساختاری، گاه با راهکارهای فردگرایانه مبتنی بر خودتوانمندسازی و حتی استراتژی‌های پُست‌فمینیستی<sup>۱</sup> با محوریت تلاش برای تغییر در عین پذیرش خود، ایده لزوم ارتقای حیات روانی فرد برای مثبت‌بودن و اعتماد به نفس بودن داشتن، درهم تنیده می‌شود.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش می‌توان گفت که هرچند بروز و ظهور ویژگی‌های گفتمانی فمینیسم عامه‌پسند در همه حساب‌های کاربری به یک میزان دیده نمی‌شود، اما می‌توان ویژگی‌هایی چون درگیری در حلقه بازخوردها، تمرکز افراطی بر بدن زنان، ارائه نسخه‌ای زیبایی‌سازی‌شده از فمینیسم و روایتی ساده‌سازی‌شده از مسائل زنان و گاه عرضه راهکارهای فردگرایانه و استراتژی‌های پُست‌فمینیستی برای حل نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت که از محورهای فمینیسم عامه‌پسند هستند، کمابیش در محتواهای نمونه دیده می‌شود. بر اساس این محورها، می‌توان برخی محتواها، پویش‌ها و کنشگری‌های فعالان مورد مطالعه را

نشان‌دهنده وجود و فرآیند قدرت گرفتن فمینیسم عامه‌پسند و محبوبیت آن در مباحثات عمومی در فضای مجازی ایران حول مسائل زنان دانست.

پژوهش حاضر در تائید یافته‌های پژوهشگران دیگر، مانند «محبوبه عباس‌قلی‌زاده» (۲۰۱۴)، شجاعی (۲۰۱۶) و موری و باتمانقلیچی (۲۰۱۷)، نشان می‌دهد که کنشگری دیجیتال در حوزه زنان می‌تواند میان فعالان زنان در داخل کشور، دیاسپورا و در سطح بین‌المللی نوعی همبستگی ایجاد کنند و دسترسی زنان ایرانی را به گستره متنوع‌تری از ایده‌های فمینیستی فراملی فراهم کند. با این حال، همان‌طور که «مینا نائلی» (۲۰۱۸) می‌گوید، فعالیت فردی و رشد نمایه‌های شخصی کنشگران در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به ایجاد تنش در درون گروه‌های فعال و تهدید حالت جمعی کنشگری در حوزه زنان نیز بیانجامد گاه به شکل پوشش‌های دیجیتال عاطفی و رسانه‌های سبک زندگی دیجیتال بروز می‌یابد، که همان‌طور که «سارا تفکری» (۲۰۲۱) هم تائید می‌کند، حول جلب اعتماد مخاطبان، اعتباربخشی به تجارب عاطفی فردی فعالان و برندسازی آنان صورت می‌گیرد، که به نظر ما به شکلی از سرمایه اجتماعی برای فعالان تبدیل می‌شود، به گونه‌ای که گاه نام کنشگران از مساله و پوشش‌های آنان مهم‌تر می‌شود.

در مقایسه یافته‌های پژوهش از نظر موضوع‌های پربسامد در حوزه زنان و جنسیت در حساب‌های کاربری مورد مطالعه با مفاهیم مرتبط با چارچوب فمینیسم عامه‌پسند، نکته مهم این است که برخلاف آنچه بنت‌وایزر در بافت فرهنگ غربی بحث می‌کند و از آن به دلیل به حاشیه راندن دغدغه‌های کلیدی فمینیسم انتقاد می‌کند، رویکرد فمینیسم عامه‌پسند در متون کنشگران ایرانی به شکلی است که، به دلیل شرایط خاص جامعه ایران، همچنان بعد سیاسی و تغییرخواهی در حوزه زنان در آن حفظ شده‌است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که کنشگری فعالان مورد مطالعه می‌تواند به مشاهده‌پذیری مسائل و دغدغه‌های همواره سرکوب‌شده و به حاشیه‌رانده‌شده زنان ایرانی کمک کند.

در آخر، اگرچه فمینیسم عامه‌پسند که برخی از نمونه‌های آن را مطالعه کردیم، تنها بیان فمینیستی و تنها نوع کنشگری نیست که در رسانه‌های دیجیتال از سوی کنشگران ایرانی حوزه زنان ساخته و دنبال می‌شود، اما بر اساس آنچه در این پژوهش ترسیم کردیم، پرسش درباره اینکه اکنون چه نسخه‌هایی از فمینیسم در فضای دیجیتال به مشاهده‌پذیری دست می‌یابند و کدام همچنان در حاشیه می‌مانند و اینکه این کنشگری‌ها چه محتواها و بحث‌هایی را در دسترس قرار می‌دهد و چه راهکارهایی را در حوزه زنان پیش مینهند، پرسش‌ها و مباحث مهمی است که امیدواریم در پژوهش‌های آتی از سوی دیگر پژوهشگران نیز دنبال شود.

## منابع

- اردکانی فرد، ز.، و رضوی زاده، س. (۱۴۰۰). «زنان تأثیرگذار اینستاگرامی؛ زنانگی بازنمایی شده در صفحات زنان اینفلوئنسر ایرانی». *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۳(۱)، ۶۵-۹۰.
- اسلامی، ا.، موسوی، س.، و علیخواه، ف. (۱۳۹۹). «سلب‌ریتی‌های مجازی؛ غریبه‌های آشنا در عصر رسانه‌های اجتماعی». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶(۵۹).
- ایسپا. (۱۳۹۹، ۱۲، ۱۶). <http://ispa.ir/Default/Details/fa/2282/73.6>.
- بیچرانلو، ع.، و بوالی، ز. (۱۴۰۰). «تصویرسازی زنان عامه از «زن‌بودگی» در اینستاگرام فارسی از طریق استعاره‌های مفهومی». *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۳(۳).
- بیگونند، م.، کاظمی، ع.، و بصیریان جهرمی، ح. (۱۴۰۰). «سوپرماماها و مفهوم مادری در فضای اینستاگرام». *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۳(۱).
- حمایت‌خواه، م. (۱۴۰۰). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر انحرافات اجتماعی زنان». *انتظام اجتماعی*، ۱۳(۱).
- ذکایی، م.، کرمی، م.، و فرزادمنش، ش. (۱۳۹۹). «بازنمایی زندگی روزمره خانوادگی زنان ایرانی در اینستاگرام». *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۶(۲۳)، ۱-۳۰.
- راودراد، ا.، حجاری، م.، و مجددی‌زاده، ز. (۱۴۰۰). «بصری‌شدن زندگی روزمره زنان؛ گفتمان غالب زنان اینفلوئنسر در شبکه اجتماعی اینستاگرام». *مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*، ۴(۱۲).
- رحیمی، پ.، و بیچرانلو، ع. (۱۳۹۹). «الگوهای فعالیت سایبری کنش‌گرایان حوزه زنان در ایران و نسبت آن با اکتیویسم در فضای واقعی». *پژوهشنامه زنان*. سال یازدهم تابستان ۱۳۹۹، ۲، ۳۳-۵۸.
- طالبیان، ح.، و طالبیان، س. (۱۳۹۶). «زنان و کنش‌گری در رسانه‌های اجتماعی». *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۲)، ۲۰۵-۲۲۲.
- عبداللهیان، ح.، و هومن، ن. (۱۳۹۹). «نقش شبکه‌های اجتماعی در توانمندی زنان از منظر صاحب‌نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶(۵۸).
- مقیمی، م.، خانیکی، ه.، و سلطانی، س. (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد سه‌گانه نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام». *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۶(۲۲)، ۷۱-۹۷.
- نجم‌آبادی، ا. (۱۳۸۴). «اقتدار و نمایندگی: بازبینی فعالیت‌های زنان در دوره رضاشاه». *گفتگو*، ۴۴، ۱۲۱-۱۵۱.

- Abbasgholizadeh, M. (2014). 'To do something we are unable to do in Iran :”Cyberspace, the public sphere, and the Iranian women’s movement.’ **Signs: Journal of Women in Culture and Society**, (4) 39 ,831-840.
- LSE. (2021.07.08). 'Author Interview: Q&A with Sarah Banet-Weiser on Empowered: Popular Feminism and Popular Misogyn. <https://blogs.lse.ac.uk/lsereviewofbooks/2019/03/08/author-interview-qa-with-sarah-banet-weiser-on-empowered-popular-feminism-and-popular-misogyny/>
- Banet-Weiser, S. (2018). 'Postfeminism and popular feminism'. **Feminist Media Histories**, 4(2), 152-156.
- Banet-Weiser, S. (2018). *Empowered: Popular feminism and popular misogyny*. Duke University Press.
- Banet-Weiser, S., & Portwood-Stace, L. (2017). 'The traffic in feminism: an introduction to the commentary and criticism on popular feminism'. **Feminist media studies**, 17(5), 884-888.
- Banet-Weiser, S., Gill, R., & Rottenberg, C. (2020). 'Postfeminism, popular feminism and neoliberal feminism?' **Feminist Theory**, 21(1), 3-24.
- Batmanghelichi, K. S & ,Mouri, L.. (2017). 'Cyberfeminism, Iranian style: online feminism in post-2009 Iran' **Feminist Media Histories**. 3 (1) 50-80.
- Boyd, D.(2010). Social network sites as networked publics: Affordances, dynamics, and implications .in *A networked self* .Routledge.
- De Benedictis, S. O & ,Rottenberg, C .(2019). MeToo, popular feminism **European Journal of Cultural Studies**. 22 (5-6) 718-738.
- Dejmanee, T. (2020). 'Popular feminism and teen girl fashion blogs' **.Continuum** ,32 (3) 345-354.
- Dejmanee, T., Zaher, Z., R., S & ,Papa, M. J' . (2020) # .MeToo;# HimToo: Popular Feminism and Hashtag Activism in the Kavanaugh Hearings **.International Journal of Communication**.
- Gill, R .(2016) Post-postfeminism? New Feminist Visibilities in Postfeminist Times' . **Feminist Media Studies**. 16 (4) 610-630.
- Highfield, T & ,Leave, T. (2015). 'A methodology for mapping Instagram hashtags' . **First Monday**. 20, 1-11.
- Karimi, S. (2015). 'Iranian women’s identity and cyberspace: Case study of stealthy freedom' **Journal of Social Science Studies**. 2 (1) 221-233.
- Karimi, S .(2018). *The virtual sphere and the women’s movement in post-reform Iran* . University of Melbourne.

- Khazraee, E & ,Novak, A. (2018). Digitally mediated protest: Social media affordances for collective identity construction' **Social Media+ Society**. 4 (1).
- Khiabany, G. (2015). The importance of 'social' in social media: lessons from Iran .In *The Routledge companion to social media and politics* .(ص. ۲۲۳-۲۳۴).
- Laestadius, L. (2017). Think before you collect: Setting up a data collection approach for social media studies." *In The SAGE handbook of social media research methods* .The SAGE handbook of social media research methods در (ص. ۵۷۳-۵۹۳) SAGE.
- Mayr, P & ,Weller, K. (2017). Think before you collect: Setting up a data collection approach for social media studies." *In The SAGE handbook of social media research methods* .The SAGE handbook of social media research methods در (ص. ۱۰۸-۱۲۴) SAGE.
- Mayring, P. (2014). *Qualitative Content Analysis: Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*. Austria: GESIS–Leibniz Institute for the Social Sciences.
- Naeli, M (2018). Internet-mediated Communication in Activists 'Internal Networks: The Case of Iranian Women's Rights Activism .In *Digital Media and the Politics of Transformation in the Arab World and Asia* .(ص. ۱۱۳-۱۳۵) Wiesbaden: Springer VS.
- Rahbari, L., Dierickx, S., Coene, G & ,Longman, C .(۲۰۲۱) .'Transnational solidarity with which Muslim women? The case of the My stealthy freedom and World Hijab Day campaigns.' **Politics & Gender**. ۱۳۵-۱۱۲ , (۱)۱۷ ,
- Rose, G. (2016). *Visual methodologies: An introduction to researching with visual materials*. Sage.
- Rottenberg, C. (2014). 'The Rise of Neoliberal Feminism' **Cultural Studies** , ۲۸ (۳) , ۴۳-۴۱۸
- Seddighi, G & ,Tafakori, S (2016). 'Transnational mediation of state gendered violence: the case of Iran' **Feminist Media Studies**. ۹۲۸-۹۲۵ , (۵)۱۶ ,
- Shahghasemi, E. (2020). Pornography of Networked Feminism: The Case of Iranian "Feminist" Instagramers' *The 2nd International Conference on Future of Social Sciences and Humanities*At .Prague: Diamond Scientific Publishing.
- Shojaee, M. (2016). 'Women's voices: The journey towards cyberfeminism in Iran' *JSS Working Paper Series/General Series*. ۲۹-۱ , (۶۲۱)

- Stine, L & ,Bechmann, A. (2014). 'Using APIs for data collection on social media' **The information Society**. ۲۶۵-۲۵۶ , (۴)۳۰ ,
- Tafakori, S. (2021). 'Digital Feminism beyond Nativism and Empire: Affective Territories of Recognition and Competing Claims to Suffering in Iranian Women's Campaigns' *Signs: Journal of Women in Culture and Society*. ۸۰-۴۷ , (۱)۴۷ ,
- Tahmasebi-Birgani, V. (2015). 'Social Media as a site of transformative politics: Iranian women's online contestations' P. Vahabzadeh ,In *Iran's struggles for social justice* .(ص) .(۱۹۸-۱۸۱) Palgrave Macmillan.
- Varis, P. (2015). Digital ethnography *The Routledge Handbook of Language and Digital Communication* در (ص) ۸۲-۶۹. Routledge.
- Wood, R & ,Litherland, B. (2018). 'Critical feminist hope: the encounter of neoliberalism and popular feminism in WWE 24: Women's Evolution' **Feminist Media Studies**. ۹۲۲-۹۰۵ , (۵)۱۸ ,
- Wood, R., Litherland, B & ,Reed, E. (2020). 'Girls being Rey: ethical cultural consumption, families and popular feminism.' **Cultural Studies** 34, no. 4.